

## The Manner of Determining the Law Governing the Letters of Credit Contracts According to the Rome 1 Regulation 2008 and The Uniform Commercial Code (UCC) 1995 with Emphasis on Iran's Law

**Homayoun Mafi\***

*Professor, Department of Private Law, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tebran, Iran.*

**Mohammad Ataei**

*Pb.D. Student of Private Law, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tebran, Iran.*

### **Abstract:**

Letters of credit are commonly used in business transactions to ensure payments, especially, when the parties reside in different locations. While the determination of the law governing the letter of credit is very important for the parties, in many cases, it is ignored by the parties, and it is not mentioned in their contract. The silence of the parties leaves the duty for the courts to determine what law should govern the letter of credit agreement. This article examines and evaluates each of the contractual relationships between the parties of the letter of credit, and the law governing each legal relationship is examined independently and separately so that due to the independence of the legal relationships of the multiple parties of the letter of credit, the law governing each One of the contractual obligations should be determined precisely. In this regard, after reviewing relevant international regulations, including the Rome I Regulation and the Uniform American Trade Act, Iran's legal position is examined. The main question of the article is which law governs the contractual relations of the letter of credit parties? In line with the procedures and developments governing international trade law and international contracts, it is suggested that Iran's legislator, in line with the laws of other countries, move towards accepting the principle of the sovereignty of the will, and Article 968 of the Civil Code, which is currently is not in line with the requirements of trade law, The international and broad global trends regarding the acceptance of the principle of the rule of will should be adjusted in line with Article 27 of the International Commercial Arbitration Act and to move in the direction of influencing the will of the parties and the effectiveness of international contracts. This article concludes that in the absence of uniform provisions of letters of credit as the governing rules of letters of credit and if the credit does not have a choice of governing law, the governing law is the legal system that has the closest and most real relationship with the credit. In the relationship between The law of the applicant and the credit opening bank, the closest connection is to the law of the country where the credit opening bank is located. In the case of the beneficiary and the notifying bank, the closest connection is to the law of the country where the notifying bank operates.

**Keywords:** correspondent bank, credit transaction, credit opening contract, governing law, letter of credit, US uniform commercial code.

---

\* **Email:** mafi@ujsas.ac.ir (Corresponding Author)

فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضائی  
مقاله پژوهشی، دوره ۲۹، شماره ۱۰۶، تابستان ۱۴۰۳، صفحات ۱۳۵ تا ۱۵۸  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۳ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵

## چگونگی تعیین قانون حاکم بر قراردادهای اعتبارات اسنادی مطابق مقرره رم یک ۲۰۰۸ و قانون تجارت متحدهالشکل آمریکا مصوب ۱۹۹۵ با تأکید بر حقوق ایران

اهمایون مافی\* استاد گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه علوم قضائی و خدمات  
اداری، تهران، ایران.  
امجد عطائی دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه علوم قضائی و  
خدمات اداری، تهران، ایران.

### چکیده

اعتبار اسنادی معمولاً در معاملات تجاری به منظور اطمینان از پرداخت‌ها استفاده می‌شود، به‌ویژه زمانی که طرفین در مکان‌های مختلف اقامت دارند. در حالی که تعیین قانون حاکم بر اعتبار اسنادی برای طرفین بسیار مهم است، در بسیاری از موارد این مهم توسط طرفین نادیده گرفته می‌شود و ذکری از آن در قرارداد فی‌مابین به میان نمی‌آید. سکوت طرفین، این وظیفه را بر عهده دادگاه‌ها می‌گذارد تا تعیین کنند که چه قانونی باید بر قرارداد اعتبار اسنادی حاکم باشد. مقاله حاضر هر یک از روابط قراردادی بین طرفین اعتبار اسنادی را مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهد و قانون حاکم بر هر رابطه حقوقی را به نحو مستقل و جداگانه بررسی می‌کند تا با توجه به استقلال روابط حقوقی متعدد طرفین اعتبار اسنادی قانون حاکم بر هر یک از التزامات قراردادی به طور دقیق تعیین شود. در این راستا پس از بررسی مقررات بین‌المللی مرتبط از جمله مقرره رم یک و قانون متحدهالشکل تجارت آمریکا، موضع حقوق ایران مورد مذاقه قرار می‌گیرد. سؤال اصلی مقاله این است که کدام قانون بر روابط قراردادی طرفین اعتبار اسنادی حاکم است؟ در راستای رویه‌ها و تحولات حاکم بر حقوق تجارت بین‌الملل و قراردادهای بین‌المللی، پیشنهاد می‌کند تا قانونگذار

ایران همسو با حقوق کشورهای دیگر به سمت پذیرش اصل حاکمیت اراده برود و ماده ۹۶۸ قانون مدنی را که در حال حاضر منطبق با ضرورت‌های حقوق تجارت بین‌الملل و گرایش‌های گسترده جهانی در مورد پذیرش اصل حاکمیت اراده نیست، همسو با ماده ۲۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی تعدیل و در جهت نفوذ اراده طرفین و کارآمدی قراردادهای بین‌المللی حرکت کند. این مقاله چنین نتیجه می‌گیرد که در غیاب مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی به‌عنوان قواعد حاکم بر اعتبارات اسنادی و در صورتی که اعتبار فاقد انتخاب قانون حاکم باشد قانون حاکم نظام حقوقی است که با اعتبار نزدیک‌ترین و واقعی‌ترین ارتباط را دارد. در رابطه بین متقاضی و بانک گشاینده اعتبار قانون نزدیک‌ترین ارتباط قانون کشور محل گشایش اعتبار است. در مورد ذینفع و بانک ابلاغ‌کننده قانون نزدیک‌ترین ارتباط قانون کشور محل فعالیت بانک ابلاغ‌کننده است.

**واژگان کلیدی:** بانک کارگزار، معامله اعتباری، قرارداد گشایش اعتبار، قانون حاکم، اعتبار اسنادی، قانون تجارت متحدالشکل آمریکا.

#### مقدمه

اعتبارات اسنادی امروزه دارای مقبولیت و پذیرش جهانی است و توسط تجار در کشورهای مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرند. معمولاً خریدار بر مبنای توافقی که با فروشنده در قرارداد پایه صورت داده است به بانکی تحت عنوان بانک گشاینده اعتبار مراجعه و مبادرت به گشایش اعتبار اسنادی می‌کند و بانک نیز مطابق قرارداد اعتبار اسنادی متعهد می‌شود تا در صورت ارائه اسناد مطابق با اعتبار از سوی فروشنده، مبادرت به پرداخت وجه اعتبار کند. با گشایش قرارداد اعتبار اسنادی، روابط حقوقی متعددی فی مابین افراد دخیل در قرارداد ایجاد می‌شود. در فرضی که فی مابین طرفین اختلافی در خصوص اجرای مفاد قرارداد ایجاد می‌شود ممکن است این سؤال مطرح شود که آیا توافق طرفین در خصوص تعیین قانونی مشخص برای حکومت بر رابطه قراردادی برای دادگاه رسیدگی‌کننده لازم‌الاتباع است یا خیر؟ در غیر این صورت، باید دید دادگاه در رسیدگی به اختلاف طرفین کدام قانون را بر قرارداد اعتبار اسنادی اعمال خواهد کرد و چه معیاری را در خصوص تعیین قانون حاکم بر رابطه حقوقی اعمال خواهد کرد؟ برای پاسخ‌گویی به این سؤالات، ابتدا به تعیین روابط قراردادی هر یک از طرفین با یکدیگر از لحاظ حقوقی مبادرت شده و سپس به تعیین قانون حاکم بر هر رابطه به‌طور جداگانه با توجه به مقررۀ رم یک راجع به قانون حاکم بر تعهدات قراردادی مورخ ۲۰۰۸ پرداخته شده است. در ادامه تعیین قانون حاکم بر روابط مذکور را براساس قانون تجارت متحدالشکل آمریکا مصوب ۱۹۹۵ بررسی شده و وضعیت‌هایی که قبل از تصویب قانون

مذکور وجود داشته و تغییراتی که با تصویب قانون مذکور درخصوص تعیین قانون حاکم بر قراردادهای اعتبار اسنادی رخ داده است، مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد. النهایه در بخش آخر مقاله، قانون حاکم بر قرارداد اعتبار اسنادی در نظام حقوقی ایران مورد مذاقه و واکاوی قرار گرفته است.

### ۱. قانون حاکم بر روابط قراردادی طرفین مطابق مقررۀ رم یک

ذیلاً روابط حقوقی مختلف بین اطراف قراردادهای اعتبار اسنادی مطابق مقررۀ رم یک مورد مطالعه و امعان نظر قرار می‌گیرد تا از استقرا و تأمل در مطالب مذکور راه‌حلی حقوقی درخصوص قانون حاکم بر هر رابطه ارائه شود. منظور از قانون حاکم نظام حقوقی مناسبی است که قرارداد براساس آن تشکیل می‌شود و وجود و اعتبار قرارداد و تفسیر و اجرای حقوق و ایفای تعهدات و التزامات و مسئولیت‌های قراردادی تابع و مشمول آن است. بدیهی است که یک قرارداد هنگامی معتبر تلقی می‌شود که الزامات شکلی و ماهوی را به موجب قانون حاکم دارا باشد. معامله اعتبار اسنادی در معنای عام هر چند روابط قراردادی مختلفی را دربر می‌گیرد، ولی در معنای اختصاصی و برگزیده بر همان رابطه میان بانک گشاینده اعتبار و فروشنده (ذینفع) اطلاق می‌شود.

### ۱-۱. قانون حاکم بر قرارداد فروشنده و خریدار (قرارداد پایه)

ماده ۳ مقررۀ رم یک مقرر می‌دارد که قرارداد باید تابع قانون انتخاب‌شده توسط طرفین باشد. با این وصف، به ندرت پیش می‌آید که قراردادهای ناشی از صدور اعتبار اسنادی حاوی بند انتخاب قانون باشد (King, 2001: 294). در این خصوص، پرونده<sup>۱</sup> «ماشینال گلس فابریک دماس بی وی علیه امایلیری آلساسین» در سال ۱۹۸۴ مطرح شد و رویه‌ای ایجاد کرد. در این پرونده که فروشنده هلندی و خریدار فرانسوی بود، دادگاه هلند اعلام کرد که انجام تعهد اساسی یعنی تحویل کالا از وظایف فروشنده است. در نتیجه چون محل تجارت اصلی فروشنده در زمان انعقاد قرارداد هلند بوده قانون آن کشور حاکم بر قرارداد فروش است (امیر معزی، ۱۳۹۵: ۲۳۹). در مواردی که مطابق بند ۱ ماده ۳ مقررۀ رم یک انتخاب صریح یا ضمنی قانون توسط طرفین صورت پذیرفته باشد یا قرارداد فی مابین طرفین جزو قراردادهای مصرح در بند ۱ ماده ۴ مقررۀ نباشد، دادگاه‌ها باید از معیار تعهد شاخص که در بند ۲ ماده ۴ ذکر شده است استفاده کنند. در این وضعیت، باید

1. *Machinale Glassfabric De Mass BV v. Emaillerie Alsacienne* (1984)

فرض کرد که قرارداد بیشترین ارتباط را با کشوری دارد که طرفی که انجام‌دهنده عملکرد شاخص و اساسی قرارداد است در زمان انعقاد قرارداد در آن اقامتگاه عادی دارد. به منظور احراز نزدیکی قانون به قرارداد، دادگاه باید مرکز ثقل عملیات قراردادی را با لحاظ ماهیت و هدف قرارداد و عملکرد اقتصادی و اجتماعی آن مد نظر قرار دهد (مافی و کاویار، ۱۳۹۲: ۱۶۳). در حالتی که طرفین درخصوص انتخاب قانون حاکم بر قرارداد سکوت کرده‌اند، مطابق بند ۴ ماده ۴ مقررۀ رم یک باید فرض کرد که قرارداد با کشوری بیشترین ارتباط را دارد که طرف انجام‌دهنده بخش شاخص و اساسی قرارداد در زمان انعقاد قرارداد در آنجا سکونت عادی دارد. با این حال، در این مورد بررسی دو رویکرد قابل تأمل است: اول اینکه اعتبار اسنادی را به‌عنوان یک ابزار پرداخت در نظر گرفته و روابط فردی را به‌عنوان عناصر تشکیل‌دهنده یک کل یکپارچه و واحد که توسط قانون مناسب این ابزار پرداخت اداره می‌شود تجزیه و تحلیل کنیم (Teong, 1999: 59). مطابق این رویکرد که به آن «نظریه حکومت قانون واحد بر تمام روابط موجود در اعتبار اسنادی بین‌المللی» نیز می‌گویند رکن اساسی و بن‌مایۀ اعتبار اسنادی و روابط موجود در آن، ارائه اسناد منطبق با اعتبار اسنادی و سپس پرداخت وجه آن به ذینفع است. این اقدام در هر کشوری که انجام پذیرد، آن کشور دارای نزدیک‌ترین ارتباط با روابط موجود در اعتبار اسنادی است. در تقویت این نظریه به مطابقت آن با انتظارات تجاری ذینفع و بانک‌های دخیل در فرایند اعتبار اسنادی و نیز وجود نزدیک‌ترین ارتباط میان کشور محل پرداخت وجه اعتبار اسنادی و تمام روابط موجود در آن اشاره شده است (جنیدی و بهرامپوری، ۱۴۰۰ الف: ۵۱۰). نظریه یادشده و مبانی حقوقی آن با برخی ایرادات نظیر عدم قطعیت و عدم تجانس در تعیین قانون حاکم بر قرارداد با ذینفع اعتبار اسنادی مواجه است که مانع پذیرش این رویکرد به‌عنوان قاعده‌ای جهت تعیین قانون قابل اعمال بر روابط موجود در اعتبارات اسنادی بین‌المللی می‌شود. اگر مبنای توجیه مذکور مطلوبیت تعیین قانون حاکمی باشد که مطابق انتظارات تجاری طرفین است این نتیجه تا اندازه‌ای می‌تواند قابل دفاع باشد. اما در مواردی که انتظارات تجاری طرفین با اعمال قانون واحد بر تمام قراردادهای مرتبط برآورده نمی‌شود امکان جدایی قانون حاکم باید مورد توجه قرار گیرد (Markstein, 2010: 146)، زیرا معامله اعتبار اسنادی شامل طیف متعددی از روابط است و بعید است که یک رویکرد کل‌نگر بتواند به درستی اختلافاتی را که ممکن است به وجود بیاید تحت پوشش قرار دهد. بنابراین، رویکرد مورد قبول این است که اختلافات حادث‌شده بین طرفین از منظر قانون حاکم بر روابط قراردادی با توجه به هر قرارداد مستقلاً تحت مطالعه قرار گیرد. این رویکرد با اصول پذیرفته‌شده در اعتبارات اسنادی مبنی بر اینکه

اعتبار اسنادی مجموعه‌ای متشکل از روابط قراردادی به هم پیوسته، اما مستقل است سازگاری بیشتری دارد.

### ۱-۲. قانون حاکم بر قرارداد متقاضی اعتبار و بانک گشاینده اعتبار (قرارداد گشایش اعتبار)

بانک گشاینده اعتبار الزامی به گشایش اعتبار اسنادی ندارد، مگر اینکه بانک مذکور توافق خود را با خریدار مورد پذیرش قرار دهد. در این مورد خریدار به‌طور مستقیم درخواست گشایش اعتبار را می‌کند و بانک طرف درخواست او با قبول ایجاب به افتتاح گشایش اعتبار مبادرت می‌ورزد. با اجابت درخواست متقاضی بانک در برابر وی تعهد دارد مفاد اعتبارنامه را برابر دستور متقاضی صادر کند و به‌طور خاص خود را در این مورد متعهد به صدور اعتبار اسنادی نماید و کارمزد خدمات بانکی را پیشاپیش دریافت کند. بنابراین، در توافقات قراردادی طرفین معمولاً موضوعات به سکوت برگزار نمی‌شود و طرفین می‌توانند در مورد مسائل قراردادی خود از جمله دادگاه و قانون صالح با یکدیگر توافق کنند. برخی رابطه بانک صادرکننده اعتبار و مشتری را به‌عنوان رابطه قراردادی الزام‌آور برای بانک صادرکننده از لحظه اجرای قرارداد گشایش اعتبار توصیف می‌کنند. این قرارداد سببی برای طرح دعوا برای خریدار فراهم می‌کند که پس از انجام تعهدات قراردادی خویش یا آمادگی برای ایفای تعهدات با امتناع بانک صادرکننده از صدور اعتبار مواجه می‌شود (Kozolchyk, 1972: 272). عده‌ای چنین قراردادی را با قرارداد ارائه خدمات مشابه می‌دانند، با این تفاوت که در قرارداد ارائه خدمات، شخصی که به منظور ارائه خدمات قرارداد را با کارفرما منعقد می‌کند (پیمانکار)، تعهدی به نفع شخص ثالث به موجب قرارداد پیمانکاری بر عهده نمی‌گیرد. نگاه دقیق به این رابطه آن را از قرارداد نمایندگی نیز متمایز می‌کند. این امر با این واقعیت منعکس می‌شود که بانک گشاینده در قرارداد گشایش اعتبار، تعهدی را در قبال فروشنده به نام خود به عهده می‌گیرد و نه به نام مشتری، چراکه در یک قرارداد نمایندگی واقعی، مشتری اصیل است و اگر قرارداد مذکور نیز نمایندگی می‌بود بانک نیز بایستی ایفای تعهدات قراردادی را به نمایندگی از اصیل (مشتری) ارائه می‌داد. در حالی که این‌گونه نیست (Lawrence 2019: 284). در رابطه بین متقاضی و بانک گشاینده اعتبار، عملکرد شاخص، قرارداد گشایش اعتبار است که توسط بانک گشاینده یا بانک صادرکننده اعتبار افتتاح می‌شود. در این صورت، به موجب بند ۲ ماده ۴ مقررۀ رم یک، قانون حاکم بر قرارداد قانون محل اصلی بانک گشاینده اعتبار به‌عنوان معرری عملکرد شاخص

قرارداد است. در پرونده پترولوجیک کاپیتال اس. آعلیه بانک کانتونال ژنو و دیگران<sup>۱</sup>، قانون حاکم بر قرارداد گشایش اعتبار مطرح شد. در آوریل ۲۰۱۱ خواهان قراردادی را با یک شرکت استرالیایی به منظور خرید نفت از صربستان منعقد کرد. خواهان با فروشنده موافقت کرده بود که یک اعتبار اسنادی به نفع فروشنده گشایش شود. در ابتدا خواهان یک حساب بانکی در بانک خوانده گشایش کرد. هنگام گشایش خواهان یک قرارداد پایه امضا کرد که شامل شرایط عمومی قرارداد بود. ماده ۲۲ قرارداد پایه مقرر می‌کرد که تمام روابط حقوقی بین مشتری و بانک مشمول قانون سوئیس خواهد بود. محل اجرای تمام تعهدات و محل انحصاری صلاحیت دادگاه به هر گونه رسیدگی نیز صرف نظر از هر نوع اختلاف در ژنو تعیین شد. اعتبار اسنادی در تاریخ ۲۱ آوریل گشایش شد. فروشنده اسناد مورد نیاز را به بانک کارگزار ارائه و درخواست پرداخت وجه اعتبار به مبلغ دو میلیون و سیصد و هشتاد و پنج هزار و پانصد و شش (۲.۳۸۵.۵۰۶) پوند را کرد. خواهان به بانک اطلاع داد که وجه اعتبار را نپردازد. در اختلافی که متعاقباً بین طرفین در دادگاه مطرح شد خواهان ادعا می‌کرد که قانون قابل اعمال بر قرارداد قانون انگلیس و ویلز بود، در حالی که بانک استدلال می‌کرد که قانون حاکم قانون سوئیس است. خواهان با وکلای خود وکالتنامه‌ای را تنظیم کرده بود که بتوانند از طرف او با بانک به نمایندگی کارها را انجام دهند. وکالتنامه بیان می‌کرد که معامله بانک و خواهان وکلایش تحت شمول شروط و قیود بانک بود که به نوبه خود قانون سوئیس را بر قرارداد اعمال می‌کرد. دادگاه با توجه به وکالتنامه مذکور اعلام کرد که روابط طرفین تا جایی که به اعتبار اسنادی مربوط می‌شود مشمول قانون و دادگاه سوئیس است. در مورد این سؤال که چرا قانون سوئیس به عنوان قانون حاکم باید اعمال شود، دادگاه توضیح داد که طرفین موافقت کرده بودند که قانون سوئیس و صلاحیت دادگاه آن کشور بر معامله آن‌ها حاکم باشد. طرفین متعاقباً هیچ قصدی بر تغییر و عدول از انتخاب قانون و دادگاه سوئیس را در شرایط عمومی قرارداد اعلام نکردند. بنابراین شرایط عمومی قرارداد بر معامله آن‌ها در خصوص افتتاح حساب و گشایش اعتبار و ایضاً قانون قابل اعمال حاکم بوده است (Monghan, 2012: 4-7).

1. Petrologic Capital SA V. Banque Cantonale de Geneve & another [2012] EWHC 454(Comm)

## ۳-۱. قانون حاکم بر قرارداد بانک گشاینده اعتبار و فروشنده (قرارداد اعتبار اسنادی)

قرارداد اعتبار اسنادی همان رابطه خاص میان بانک گشاینده اعتبار و فروشنده است. لذا، در قرارداد اعتبار اسنادی، بانک کارگزار با اسناد ارائه شده از سوی ذینفع روبه‌روست و اسناد ارائه شده نیز بایستی مطابقت دقیق با مفاد اعتبار اسنادی گشایش شده داشته باشند تا بانک مذکور به نیابت از بانک گشاینده اعتبار مبادرت به پرداخت کند (Appanna, 2009: 36, Grassi, 1995: 95). دادگاه‌ها به‌طور معمول در انتخاب قانون حاکم این قرارداد را ماهیتاً از روابط قراردادی پایه و گشایش اعتبار به موجب ماده ۴ یو سی پی ۶۰۰ مستقل می‌دانند.<sup>۱</sup> گفته می‌شود که قانون حاکم بر قرارداد اعتبار اسنادی اغلب محلی است که بانک گشاینده اعتبار فعالیت تجاری خود را در آن انجام می‌دهد. دو دلیل این نتیجه‌گیری را تأیید می‌کند: اولاً، از آنجایی که انجام معامله اعتبار اسنادی به رضایت بانک گشاینده اعتبار بستگی دارد، فرض حکومت قانون محل اجرای تعهدات قراردادی این نتیجه‌گیری را نشان می‌دهد؛ ثانیاً، اگر بانک گشاینده اعتبار مجبور باشد دائماً قانون محل اقامتگاه ذینفع اعتبار یا قانون محل تجارت او را بررسی کند، مشکل بسیار زیادی در عمل ایجاد خواهد شد. (Teong, 2009: 66). در این زمینه، محل تعهدات قراردادی و مکانی که قرارداد در آن منعقد شده است احتمالاً عوامل ارتباطی مهم‌تری در میان سایر عوامل محسوب می‌شوند. بند ۲ ماده ۴ مقررۀ رم یک در این زمینه اعلام می‌دارد که قانون حاکم، قانون محل اقامتگاه عادی طرفی خواهد بود که اجرای عملکرد شاخص قرارداد را بر عهده دارد. به این ترتیب، قرارداد بین ذینفع و بانک گشاینده اعتبار، تابع قانون محل اصلی تجارت بانک گشاینده اعتبار خواهد بود. از طرف دیگر، براساس شق «ب» از بند ۱ ماده ۴ مقررۀ رم یک بانک گشاینده اعتبار بانک ارائه‌دهنده خدمات محسوب می‌شود و چنین قراردادی تابع قانون کشوری است که ارائه‌دهنده خدمات در آنجا دارای اقامتگاه عادی است (Markstein, 2010: 146, 160). در حقوق انگلیس این رابطه صرفاً قراردادی فرض شده است. برای مثال در دعوی یونایتد سیتی مرچنتس (اینوستمنتس) به طرفیت رویال بانک

۱. مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی موسوم به Uniform Customs and Practice for Documentary Credits (UCP 600) ششمین بازنگری در مقررات مذکور از زمان انتشار آن در ۱۹۳۳ توسط اتاق بازرگانی بین‌المللی است. تاریخ اجرای این مقررات برای اول جولای ۲۰۰۷ تعیین شده است. هدف از تدوین مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی ایجاد انسجام در عملیات موصوف و تسهیل در فرایند کاری صادرکنندگان و واردکنندگان کالا در سطح بین‌المللی بوده است. نسخه فوق‌آخرین تجدید نظر مورد استفاده در بانک‌ها و مؤسسات مالی و راهگشای تنظیم معاملات اعتبار اسنادی به شمار می‌رود.

کانادا،<sup>۱</sup> ماهیت قراردادی رابطه بین بانک گشاینده اعتبار و ذینفع مورد پذیرش قرار گرفته است (Hugo, 1996:188). به نظر می‌رسد قانون مقر بانک گشاینده نزدیک‌ترین و واقعی‌ترین ارتباط را با قرارداد خواهد داشت. بعید است که قانون دیگری با قرارداد ارتباط نزدیک‌تری داشته باشد و در نتیجه به اعمال بند ۴ ماده ۴ مقررۀ رم یک منجر شود (Markstein, 2010:146). این موضوع به‌ویژه در مواردی که اعتبار اسنادی تأیید نشده است اهمیت دارد. ذینفع اعتبار، پرداخت را مستقیماً از بانک گشاینده اعتبار مطالبه خواهد کرد. موضوع قانون مناسب این رابطه مستقیماً در پرونده پاور کربر اینترنشنال لیتد علیه بانک ملی کویت اس ای کا در دادگاه انگلیس مطرح شد.<sup>۲</sup> در این پرونده، دادگاه چنین حکم کرد که قانون حاکم بر قرارداد گشایش اعتبار اسنادی، قانونی است که نزدیک‌ترین و واقعی‌ترین ارتباط را با آن دارد. این قانون، قانون کارولینای شمالی بود، زیرا در آنجا بود که بانک خوانده طبق اعتبار اسنادی ملزم به انجام تعهد خود برای پرداخت بود (Teong, 2009: 63). در موردی که فروشنده درگیر اعتبار اسنادی باشد قانون دارای نزدیک‌ترین ارتباط احتمالاً قانون کشور محل فعالیت بانک ابلاغ‌کننده است. این امر نه فقط در رابطه بین فروشنده و بانک ابلاغ‌کننده صدق می‌کند، بلکه در ارتباط بین او و بانک گشاینده اعتبار اسنادی نیز صادق است. در یک دعوا اعتبار غیر قابل برگشتی توسط یک بانک اسپانیایی به نفع یک شرکت پایانه نفتی گشایش یافته بود که در پاناما ثبت شده بود، ولی از هوستون تگزاس فعالیت خود را انجام می‌داد. این اعتبار به وسیله یک بانک نیویورک ابلاغ شد، اما توسط آن بانک تأیید نشد. ذینفع در دادگاه‌های انگلیس علیه بانک گشاینده اعتبار اقامه دعوا کرد و سؤال اولیه‌ای که مطرح شد این بود که آیا قرارداد بین ذینفع و بانک گشاینده اعتبار اسنادی مشمول قانون اسپانیا یعنی قانون بانک گشاینده اعتبار است یا مشمول قانون نیویورک به‌عنوان قانون بانک ابلاغ‌کننده. قاضی آکرن<sup>۳</sup> براساس اینکه قانون نیویورک قانونی است که قرارداد با آن نزدیک‌ترین و واقعی‌ترین رابطه را داشته است به نفع قانون نیویورک رأی داد (اشمیتوف، ۱۴۰۲: ۶۴۳-۶۴۴).

#### ۱-۴. قانون حاکم بر قرارداد بانک گشاینده اعتبار و بانک کارگزار (قرارداد نمایندگی)

علاوه بر بانک گشاینده اعتبار قرارداد اعتبار اسنادی اغلب شامل یک بانک ثانوی اعم از یک بانک کارگزار یا تأییدکننده در محل اقامت ذینفع است. از طرف دیگر، بانک تأییدکننده در واقع مسئولیت

1. United City Merchants (Investments) Ltd v Royal Bank of Canada

2. Power Curber International Ltd. V. National Bank of Kuwait S.A.K

3. Ackner

بررسی مستندات ارائه شده از سوی ذینفع و پرداخت وجه را بر عهده می‌گیرد و جهت استرداد وجه پرداختی به بانک گشاینده اعتبار مراجعه می‌کند (Fama, 1985: 1519). اگر بانکی کارگزاری اعتبار اسنادی را بپذیرد با بانک گشاینده اعتبار قرارداد نمایندگی منعقد می‌کند. با انعقاد چنین قراردادی بانک گشاینده اعتبار مکلف به پرداخت کارمزد و بانک کارگزار نیز موظف به ابلاغ اعتبار است. اگر بانک تأییدکننده نیز اعتباری را که مشمول مقررات یو سی پی ۶۰۰ است معامله کند یا وجه آن را پرداخت نماید حق بازپرداخت وجوه از بانک گشاینده را دارد. بنابراین، بانک گشاینده اعتبار درخواست تأییدیه اعتبار را می‌کند و بانک دوم معمولاً در محل اقامت ذینفع آن را تأیید می‌کند و در صورت عدم تأیید موظف است مراتب را فوراً به بانک صادرکننده اطلاع دهد. قراردادی که بین بانک گشاینده اعتبار و بانک تأییدکننده منعقد می‌شود قرارداد نمایندگی است (Karl, 2004: 21). در جایی که بانک به عنوان یک بانک کارگزار عمل می‌کند، نتیجه مبهم‌تر است. در این مورد گفته شده است که عملکرد اصلی بانک کارگزار به جای پرداخت به ذینفع در برابر اسناد منطبق، در انتقال اسناد و مدارک است و بنابراین قانونی که قرارداد نزدیک‌ترین و واقعی‌ترین ارتباط را با آن دارد قانون محل اقامت بانک گشاینده اعتبار است. با وجود این، به نظر می‌رسد که بتوان از این رویکرد فاصله گرفت و قانون محل تجارت بانک کارگزار را در قرارداد اعمال کرد. چراکه بانک کارگزار پیرو قرارداد نمایندگی اجرای تعهدات را به عنوان نماینده برعهده می‌گیرد و بنابراین، قانون بانک کارگزار بیشترین ارتباط را با قرارداد بین بانک کارگزار و بانک صادرکننده دارد. این نتیجه به طور قابل ملاحظه‌ای با نتیجه‌ای که در آن یک بانک تأییدکننده یا یک بانک منتخب به کار گرفته شده است سازگارتر است (Markstein, 2010: 144). با این اوصاف در پرونده تانوروس علیه سومو،<sup>۱</sup> دادگاه با در نظر گرفتن مقررات بند ۲ ماده ۴ مقررۀ رم یک، اعلام کرد که عملکرد شاخص قرارداد برای تحقق اهداف این قانون اقداماتی است که بانک لندن به منظور گشایش اعتبار اسنادی و ترتیب اثر دادن به اقدامات شعبۀ بانک عراقی در نیویورک (محل پرداخت) انجام داده است، لیکن باید در نظر داشت که تصمیم دادگاه در مورد این پرونده باید با تفسیری مضیق و محدود به همان پرونده خاص در نظر گرفته شده و نباید در پی استنباط قاعده کلی از این تصمیم برآمد (Gwynne, 2018: 456). در پرونده آفشر اینترنشنال اس آ علیه بانکو سنترال اس آ<sup>۲</sup> یک اعتبار اسنادی توسط یک بانک اسپانیایی از طریق بانک دیگر در نیویورک گشایش شد. اعتبار به وسیله بانک نیویورک تأیید نشد. در

1. Taurus Petroleum Ltd V. State Oil Marketing Co of the Ministry of Oil, Iraq  
 2. Offshore International SA v Banco Central SA, (1976) 2 Lloyd's Rep 402.

فقدان هر گونه مقررۀ صریح در مورد قانون مناسب قاضی جی آکتر اعلام کرد که از آنجایی که اعتبار توسط یک بانک در نیویورک افتتاح شد و پرداخت هم در مقابل تسلیم اسناد به دلار آمریکا در نیویورک انجام شد قانون مناسب قانون نیویورک است نه قانون اسپانیا؛ جایی که اعتبار در آنجا گشایش شده است. در حالی که محل اجرای اعتبار اسنادی در نیویورک قرار داشته است بانک اسپانیا صرفاً به عنوان بانک گشایش‌کننده منع تعهد بوده است. لذا، معامله نزدیک‌ترین و واقعی‌ترین ارتباط را با ایالت نیویورک داشته است که برات فروشنده برای قبولی یا پرداخت وجه اعتبار به آنجا ارائه شده است (King, 2001: 295, 297).

#### ۵-۱. قانون حاکم بر قرارداد فروشنده و بانک تأییدکننده

در معاملات اعتبار اسنادی بین‌المللی بانک گشاینده، ابلاغ اعتبار به فروشنده را از طریق بانک کارگزار انجام می‌دهد که پذیرش اسناد از طرف بانک گشاینده را هم بر عهده می‌گیرد. این رابطه قراردادی بین بانکی امکان اجرای این قرارداد را از ذینفع سلب می‌کند که خود طرف آن محسوب نمی‌شود. هنگامی که بانک ابلاغ‌کننده اعتبار اسنادی را تأیید می‌کند رابطه قراردادی با ذینفع برقرار می‌شود. بانکی که با اذن یا درخواست بانک گشاینده تأیید خود را بر اعتبار اضافه می‌کند طبق ماده ۲ یو سی پی ۶۰۰ بانک تأییدکننده نام دارد. تعهد بانک تأییدکننده در این مورد مستقل از تعهد بانک گشاینده است. اگرچه رابطه بانک کارگزار و فروشنده معمولاً قراردادی نامیده می‌شود، اما هیچ قراردادی به معنای دقیق کلمه بین فروشنده و بانک کارگزار وجود ندارد. حتی کم‌تر ممکن است برای تبیین ماهیت مسئولیت بانک در قبال فروشنده به مفاهیم حقوق قراردادهای مانند تعهدات متقابل یا عوض متکی شد. فروشنده در ازای تعهد بانک به پرداخت وجه، نه مبلغی به بانک پرداخت می‌کند و نه تعهدی در قبال بانک بر عهده می‌گیرد. او ملزم به استفاده از اعتبار اسنادی نیست و در مواردی که به تأیید بانک مربوط می‌شود، می‌تواند با خیال راحت صدور تأییدیۀ آن‌ها را نادیده بگیرد (Kozolchyk, 1979: 277). در پرونده بانک بارودا علیه بانک ویسیا<sup>۱</sup> شعبۀ لندن بانک بارودا به عنوان بانک ابلاغ‌کننده و تأییدکننده برای فروشنده عمل می‌کرده است و محل اصلی تجارت بانک ویسیا نیز در هندوستان قرار داشت. در این پرونده گفته شد که اگر بانک کارگزاری وجود نداشته باشد یا بانک کارگزار صرفاً یک بانک ابلاغ‌کننده باشد، هیچ رابطه قراردادی مستقلی با فروشنده اعتبار وجود ندارد. در مواردی که بانک کارگزار، بانک تأییدکننده باشد با فروشنده رابطه

1 . Bank of Baroda v. Vysya Bank Ltd. (1994)2 Lloyd, s Rep 87.

قراردادی مستقلی خواهد داشت. براساس بند ۲ ماده ۴ مقررۀ رم یک، عملکرد اساسی و شاخص قرارداد تأیید اعتبار اسنادی و پرداخت وجه به فروشنده اعتبار است و قانون حاکم قانون محل تجارت بانک تأییدکننده یا بانک منتخب خواهد بود (Markstein, 2010:147). درمورد بانک تأییدکننده، پذیرفته شده است که قانون محلی که بانک تأییدکننده تأییدیه خود را اضافه می‌کند و اعتبار اسنادی را ارج می‌نهد، نزدیک‌ترین و واقعی‌ترین ارتباط را با قرارداد دارد. این معمولاً محلی است که بانک تأییدکننده به «انجام فعالیت تجاری خویش مشغول است» (جنیدی و بهرامپوری، ۱۴۰۰: ۲۳۲). در اجرای بند ۲ ماده ۴ مقررۀ رم یک، عملکرد شاخص قرارداد زمانی صورت می‌گیرد که بانک تأییدکننده یا منتخب، پرداخت را به فروشنده انجام می‌دهد و قانون محل کسب و کار بانک تأییدکننده یا منتخب بر رابطه قراردادی حاکم خواهد بود. این قانون منطبق با شق «ب» بند ۱ ماده ۴ مقررۀ رم یک درخصوص حاکمیت قانون محل اقامت عادی ارائه‌دهنده خدمات نیز است. در دعوی حمزه ملاس اند سانس علیه بریتیش ایمکس اینداستریز لیمیتد<sup>۱</sup> یک شرکت اردنی یعنی خواهان برای خرید مقداری میله فولادی مسلح که قرار بود در دو مرحله تحویل شود با خوانده که یک شرکت بریتانیایی بود قرارداد بست. قرار بود پرداخت از طریق دو اعتبار اسنادی تأیید و هر اعتبار برای یک مرحله انجام شود. توافق شد که این اعتبار در بانک «میدلند» لندن گشایش شود. هر دو اعتبار به طور مقتضی گشایش یافت و این بانک آن را در مقابل فروشندگان تأیید کرد. اولین اعتبار با حمل قسمت اول کالاها پرداخت شد، ولی درمورد اعتبار دوم اختلاف بروز کرد. خریدار مدعی بود که اولین محموله کالاها مطابق کیفیت مصرح در قرارداد نبوده است و از دادگاه برای منع فروشندگان از کشیدن برات برای اعتبار دوم یا اخذ هر نوع پولی بر مبنای آن تقاضای صدور قرار کرد. دادگاه پژوهش ضمن رد اعطای چنین قراری اظهار داشت: «این طور به نظر می‌رسد که به اندازه کافی روشن است که گشایش یک اعتبار تأییدشده، توافقی را بین بانک و فروشنده ایجاد می‌کند و بر عهده بانک تعهد مطلق را برای پرداخت قرار می‌دهد، صرف نظر از هر گونه اختلافی که ممکن است بین طرفین راجع به این امر موجود باشد که کالاها مطابق قرارداد هست یا خیر (اشمیتوف، ۱۴۰۲: ۶۵۳-۶۵۴).

---

1. Hamzeh Malas & Sons v. British Imex Industries Ltd.

## ۲. تعیین قانون حاکم بر قراردادهای اعتبار اسنادی براساس قانون تجارت متحدهالشکل آمریکا مصوب ۱۹۹۵<sup>۱</sup>

در این قسمت در دو بخش مجزا مسئله قانون حاکم بر قراردادهای اعتبار اسنادی را براساس مقررات قانون تجارت متحدهالشکل آمریکا بررسی کرده و تغییر و تحولاتی که با تصویب این قانون به وجود آمده است و وضعیت رویه قضائی در آمریکا مورد بحث و مطالعه قرار می‌گیرد.

### ۲-۱. تعیین قانون حاکم پیش از تصویب قانون تجارت متحدهالشکل آمریکا

قبل از تصویب باب پنجم قدیم قانون تجارت متحدهالشکل آمریکا در سال ۱۹۵۲ این قانون دارای قواعد انتخاب قانون حاکم بر قراردادهای اعتبارات اسنادی نبود. رویه دادگاه‌ها در برخورد با انتخاب قانون حاکم در قراردادها براساس مقررات دومین تفسیر رسمی تعارض قوانین آمریکا<sup>۲</sup> صورت می‌گرفت. طبق این مقررات اصل حاکمیت اراده محدود به انتخاب قانون حاکمی بود که ارتباط معقولی با قرارداد می‌داشت. طبق بخش ۱۸۷ مجموعه اصول و قواعد حقوقی دوم تعارض قوانین، قانون ایالت منتخب طرفین برای حکومت بر حقوق و تکالیف قراردادی آن‌ها اعمال خواهد شد، مگر اینکه ایالت منتخب رابطه اساسی با طرفین یا معامله نداشته یا هیچ مبنای متعارف دیگری برای انتخاب طرفین وجود نداشته باشد. به موجب مقررات فوق ارتباط اساسی با قرارداد در موارد زیر محرز است: قانون کشوری که قرارداد در آن منعقد شده است، قانون کشوری که اجرای قرارداد در آنجا انجام می‌شود، قانون کشوری که یکی از طرفین در آنجا مقیم است و قانون کشوری که یکی از طرفین قرارداد محل اصلی تجارتش در آن کشور است. در صورتی که اقامتگاه طرفین، مکان تشکیل قرارداد و محل اجرای قرارداد همه در یک مکان باشد، اما یک قانون ملی به غیر از قوانین کشورهای مورد اشاره توسط طرفین انتخاب شود، در این فرض کشور منتخب ارتباط اساسی با طرفین معامله اعتبار اسنادی نخواهد داشت. سؤالی که پاسخ به آن در خور تأمل است این است که در فقدان قانون قابل اعمال توسط طرفین کدام قانون حاکم بر قرارداد اعتبار اسنادی خواهد بود. در صورت فقدان انتخاب صریح یا ضمنی طرفین برابر بخش ۱۸۸ مجموعه اصول و قواعد حقوقی دوم تعارض قوانین، قانون مناسب قرارداد، نظام حقوقی است که قرارداد با آن نزدیک‌ترین یا واقعی‌ترین ارتباط را دارد. عوامل ارتباطی که در این مورد حائز اهمیت تلقی می‌شود عبارت‌اند از

- 
1. Uniform Commercial Code
  2. Restatement Second.conflict of law rules (1971)

محل انعقاد عقد، محل برگزاری مذاکرات قرارداد، محل اجرای قرارداد، مکان استقرار موضوع قرارداد، اقامتگاه، سکونت، تابعیت، محل تشکیل شرکت و محل فعالیت تجاری طرفین (مافی و تقی‌پور، ۱۳۹۴: ۱۶۷، ۱۷۱). در پرونده لانگلی علیه پرودنشمال مورتگیج کاپیتال کمپانی دادگاه منطقه‌ای ایالات متحده برای منطقه شرقی کنتاکی، به انتخاب قانون نیویورک و انتخاب دادگاه صالح در قرارداد خریدار و فروشنده ترتیب اثر نداد.<sup>۱</sup> هرچند در این پرونده طرفین مفاد قرارداد را اجرا کرده بودند، دادگاه تقریباً بدون هیچ‌گونه تحلیل و استنادی، توافق فی‌مابین طرفین را محرز ندانست و قانون مقر دادگاه را به جای قانونی که طرفین انتخاب کرده بودند اعمال کرد. در تجدیدنظرخواهی دادگاه تجدیدنظر با تصمیم دادگاه بدوی مخالف و قائل بر این عقیده بود که پرونده بایستی مطابق توافق طرفین و شرط معتبری که در قرارداد درج شده بود در دادگاه صالح مطرح می‌شد. در پرونده ستر علیه ناتیکسز رنال استیت کاپیتال اینکورپوریشن،<sup>۲</sup> دادگاه قائل بر اعتبار توافق طرفین بوده و با ترتیب اثر دادن به مفاد توافق طرفین درخصوص شرط انتخاب دادگاه صالح، به خواهان توصیه کرد که شکایت خود را مجدداً در دادگاه ایالتی نیویورک که صالح به رسیدگی به دعوا بود تجدید کند. غالب دادگاه‌های آمریکایی چنین مشکلی را به نفع قانون حاکم بر محلی که طرفین مبادرت به انعقاد قرارداد کرده بودند، حل کرده‌اند. ازجمله در پرونده مهم کارنیگی علیه موریسون و نیز راسل علیه ویگن،<sup>۳</sup> دادگاه‌ها به این نتیجه رسیدند که چون نماینده بانک گشایش‌کننده اعتبار در لندن قرارداد را در ماساچوست آمریکا اجرا کرده بود، قانون آن ایالت بر قرارداد حاکم است. این در حالی است که پرداخت مطابق مفاد اعتبار اسنادی بایستی در لندن به عمل می‌آمد. متعاقباً رویه دیگری اتخاذ شد. ازجمله در ایالت نیویورک<sup>۴</sup> در پرونده جی. زیوی و پسران لیتد علیه گرندلیز بانک اوگاندا لیتد متقاضی و بانک گشاینده اعتبار در اوگاندا توافق کردند، اما دادگاه قانون نیویورک را که محل پرداخت بود اعمال کرد. دادگاه نیویورک انتخاب قانون این ایالت را به سبب جایگاه اقتصادی ویژه ایالت نیویورک در دنیای اقتصاد به نفع ایالت مذکور اعلام کرد. امروزه با توجه به پذیرش گسترده قانون تجارت متحدالشکل آمریکا توسط دادگاه‌ها و نیز اعمال و اجرای مقررات یوسی پی ۶۰۰، عموماً اختلاف چندانی درخصوص اعمال قانون حاکم

- 
1. Langley v. Prudential Mortgage Capital Co. 2007
  2. Seter v. Natixis Resl State Capital, Inc
  3. Carnegie v. Morrison and Russell v. Wignn
  4. J. Zeevi & Sons Ltd v. Grindlays Bank (Uganda) Ltd.

حتی در مواردی که صراحتاً توسط طرفین تعیین تکلیف نشده است وجود ندارد (Dolan, 2019: Chapter4.02).

## ۲-۲. تعیین قانون حاکم بعد از تصویب قانون تجارت متحدهالشکل آمریکا مصوب ۱۹۹۵

تصویب باب پنجم جدید قانون تجارت متحدهالشکل آمریکا در سال ۱۹۹۵ تلاشی در جهت هماهنگی ماده ۵ آن با رویه بین‌المللی اعتبارات اسنادی و شفاف‌سازی ابهامات در مقررات قبلی صورت پذیرفته است. پیش از اصلاحات قانون تجارت متحدهالشکل آمریکا، قانون انتخاب‌شده باید رابطه معقولی<sup>۱</sup> با قرارداد می‌داشت. اصطلاح رابطه معقول به‌طور موسع تفسیر می‌شود. به استناد بخش ۵-۱۱۶ مقررات اصلاح‌شده ماده ۵ قانون تجارت متحدهالشکل آمریکا طرفین می‌توانند قانون حاکم بر معاملات اعتبار اسنادی را انتخاب کنند و از این حیث محدودیتی برای انتخاب طرفین وجود ندارد. در صورتی که بانک گشاینده اعتبار اعلام کند که قرارداد اعتبار اسنادی باید تحت یو سی پی ۶۰۰ اداره شود، معامله همچنان تابع ماده ۵ اصلاحی خواهد بود. براساس این بازنگری، طرفین آزادند که قانون حاکم را برای حاکمیت بر قرارداد خود انتخاب کنند، صرف نظر از اینکه انتخاب قانون ارتباط با معامله دارد یا خیر (Chantayan, 1999: 212). در نتیجه، طرفین می‌توانند قانونی را برگزینند که خارج از صلاحیت ماده ۵ قانون تجارت متحدهالشکل آمریکا باشد. با وجود این، سه استثنای عمده برای اعمال ماده ۵ وجود دارد. این استثنائات عبارت‌اند از: عرف‌های تجاری، انتخاب قانون حاکم توسط طرفین و قواعد تعارض قوانین. براساس استثنای اول، عرف‌ها و رویه‌های تجاری، اولین استثنای اعمال مقررات ماده ۵ قانون تجارت متحدهالشکل آمریکا هستند. بخش ۱-۱۰۵ (۳) قانون مذکور مقرر می‌دارد که یک عرف یا رویه تجاری در صورت اثبات می‌تواند تکمیل‌کننده توافق طرفین باشد. بنابراین مفاد ماده ۵ ممکن است در مواردی که رویه تجاری مخالفی وجود دارد بی‌اثر باشد. اعمال مقررات ماده ۵ قانون مذکور نیز ممکن است با مفاد توافق طرفین درخصوص انتخاب قانون حاکم منع شود. انتخاب قانون حاکم توسط طرفین می‌تواند صریح یا ضمنی باشد. این قانون بیان می‌کند که اگر قانون انتخاب‌شده «رابطه معقول» با قرارداد اعتبار اسنادی داشته باشد توافق طرفین قابل اجرا خواهد بود. این امر چیزی جز به رسمیت شناختن اصل حاکمیت اراده نیست. معیار رابطه معقول مندرج در قانون مستلزم آن است که قانون انتخاب‌شده مربوط به صلاحیت دادگاهی باشد که بخش مهمی از اجرای

مفاد قرارداد در قلمرو آن قرار است صورت پذیرد. در صورت عدم وجود یک انتخاب صریح یا ضمنی قانون حاکم توسط طرفین یا اگر چنین انتخابی بی‌اثر باشد قواعد حل تعارض قانون مقرر دادگاه قانون حاکم را تعیین خواهد کرد (Gewolb, 1966:751). انتخاب قانون حاکم بر معامله اعتبار اسنادی توسط طرفین در ماده ۵ قانون تجارت متحدالشکل آمریکا در بخش ۵-۱۱۶ تصریح شده است. طبق بند «الف» این بخش

مسئولیت گشاینده، شخص تعیین شده یا ابلاغ‌کننده برای اقدام یا عدم اقدام به موجب قانون صلاحیت‌دار انتخاب شده به واسطه توافق در قالب سند کتبی امضا شده و یا در غیر این صورت در قالب سند تصدیق شده توسط طرفین مربوطه به ترتیب مقرر در بخش ۵-۱۰۴ یا براساس مفاد مندرج در اعتبار اسنادی و یا سایر تعهدات خواهد بود. قانون صلاحیت‌دار انتخاب شده لزوماً نباید ارتباطی با معامله مورد نظر داشته باشد.

از منظر انتخاب قانون حاکم به موجب بند «ب» بخش ۵-۱۱۶ تمامی شعب بانک دارای شخصیت حقوقی مستقل هستند و فرض بر این است که بانک در محلی قرار دارد که مفروض است شعبه مربوطه براساس این زیر بخش در آن اقامتگاه دارد. چنانچه بانک‌های صادرکننده، ابلاغ‌کننده یا تأییدکننده دارای بیش از یک شعبه باشند قانون حاکم قانون شعبه‌ای خواهد بود که به معامله اعتبار اسنادی پرداخته است. در صورت عدم انتخاب قانون حاکم به وسیله طرفین، قانونی که طرفین در آنجا اقامت دارند قانون قابل اعمال خواهد بود. بدیهی است در فقدان انتخاب قانون حاکم چنانچه قوانین مختلفی قابلیت اعمال بر معامله اعتبار اسنادی را داشته باشند با فرض تعارض قوانین دادگاه صالح مبادرت به تعیین قانون مناسب خواهد کرد. بخش ۵-۱۱۶ صرفاً به مسئولیت اقدام یا عدم اقدام طرفین مربوط می‌شود. در نتیجه، در سایر موارد مثل تعیین حقوق طرفین باید به رویکرد عمومی مقرر در بخش ۱-۱۰۵ مراجعه شود. در موردی که ذینفع به دلیل عدم پرداخت غیرقانونی بر علیه بانک تأییدکننده اقامه دعوا می‌کند قانون محلی که بانک تأییدکننده در آنجا مستقر است اعمال خواهد شد، زیرا مسئولیت بانک تأییدکننده در این خصوص مطرح است. در موردی که به همان دلیل ذینفع علیه بانک گشاینده اقامه دعوا می‌کند قانون اقامتگاه بانک گشاینده اعمال خواهد شد، زیرا مسئولیت متوجه آن بانک است. ذینفع ممکن است علیه هر دو بانک به دلیل عدم پرداخت غیرقانونی اقامه دعوا کند. در این مورد، مسئولیت هر بانک تحت شمول قانون محل اقامت آن بانک خواهد بود. نکته شایان توجه در مورد قانون قابل اعمال بر قرارداد بین بانک‌ها کاملاً به نقش بانک کارگزار بستگی دارد. برای مثال در روابط قراردادی بین بانک گشاینده و

بانک کارگزار چنانچه بانک دوم از هیچ گونه استقلالی به‌عنوان نماینده یا اصیل برخوردار نباشد قانون بانکی بر چنین قراردادی قابل اعمال نخواهد بود (Hahn, 2007: 8-9).

### ۳. انتخاب قانون حاکم بر اعتبارات اسنادی طبق قانون ایران

اصل حاکمیت اراده در غالب نظام‌های حقوقی به رسمیت شناخته شده است. دادگاه‌ها در مواجهه با قراردادها نخست به اصل حاکمیت اراده در تعیین قانون حاکم بر قرارداد توجه می‌کنند. در صورت سکوت طرفین در تعیین قانون حاکم بر قرارداد اعتبار اسنادی عوامل ارتباط مختلفی همچون محل تشکیل قرارداد، محل پرداخت، محل تسلیم و بررسی اسناد، محل تجارت طرفین، زبان و ارز مورد استفاده در اعتبارات اسنادی گشایش شده، محل اجرای قرارداد و اقامتگاه مجری شاخص قرارداد مورد توجه دادگاه رسیدگی‌کننده قرار خواهد گرفت. در صورتی که طرفین قرارداد صریحاً به تعیین قانون حاکم مبادرت نکرده باشند دادگاه‌ها در مرحله اول از شرایط و اوضاع و احوال قرارداد می‌توانند به تعیین انتخاب ضمنی برای طرفین اقدام کنند. در مورد این سؤال که آیا چنین انتخابی از منظر قانون حاکم پذیرفته می‌شود یا خیر، این امر بیش از هر چیز به قواعد حل تعارض مقر دادگاه بستگی دارد که چنین انتخابی را مورد پذیرش قرار دهد. در مرحله دوم و در صورتی که دادگاه‌ها نتوانند اراده صریح و ضمنی طرفین را احراز کنند برخی از دادگاه‌ها با یافتن پایگاه قانونی قرارداد مثل محل انعقاد یا اجرای قرارداد و یا محل اقامت یا تجارت طرفین فرض می‌کنند که طرفین به‌عنوان افراد معقول و متعارف قانون حاکم را در زمان انعقاد قرارداد انتخاب کرده‌اند. در برخی از نظام‌های حقوقی مانند ایران باید به قواعد حل تعارض قوانین مقر رسیدگی مراجعه کرد تا دادگاه‌ها در پرتو آن قانون حاکم بر قرارداد را بیابند و آن را بر موضوع اختلاف اعمال کنند. درخصوص تعیین قانون حاکم بر قراردادهای اعتبارات اسنادی در حقوق ایران، به نظر می‌رسد که باید به قواعد عام مندرج در قانون مدنی مراجعه کرد. مطابق ماده ۹۶۸: «تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است، مگر اینکه متعاقدين اتباع خارجه بوده و آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند». در این خصوص بین حقوقدانان درخصوص امری یا تخییری بودن ماده مذکور اختلاف نظر وجود دارد. اگر مفاد این ماده را جزو مقررات امری بدانیم، قانون ایران در مورد عقود منعقدشده در ایران به طور اجباری مجری است و دیگرانی که بخش اول ماده را اختیاری می‌دانند، حکم مندرج در آن را مانند همه احکام مشابه در موارد سکوت طرفین مجری می‌دانند. لذا، در صورت وجود اراده صریح یا ضمنی خلاف، مفاد اراده را بر مندرجات ماده ۹۶۸ قانون مدنی مجری می‌دانند. به نظر می‌رسد اختیاری بودن مقررۀ مذکور به مبنا و

حکمت جعل این قاعده به صواب نزدیک‌تر باشد. در واقع، امری یا اختیاری بودن قاعده حل تعارض قوانین فرع بر امری یا اختیاری بودن قانون ماهوی است. به تعبیری دیگر، چون در هر نظام حقوقی قوانین به امری و تخییری تفسیر می‌شوند، لذا قاعده حل تعارضی که برای هر یک از دسته‌های روابط حقوقی وضع شده است از جهت امری یا اختیاری بودن باید از قانون ماهوی مربوطه تبعیت کند. بنابراین، چون مقررات قانون مدنی ایران در باب تعهدات ناشی از عقد بیع اساساً جنبه اختیاری دارد، قاعده حل تعارضی که تعهدات قراردادی را تابع قانون محل انعقاد عقد می‌داند نیز بایستی یک قاعده اختیاری باشد (مافی و کاویار، ۱۳۹۲: ۱۶۷-۱۶۸؛ وگروئی، ۱۳۹۸: ۲۱۸).

در هر حال، با لحاظ اینکه قانون مدنی ایران معیار قانون محل انعقاد عقد را ملاک قرار داده است، برای یافتن پاسخ به این سؤال که در نظام حقوقی ایران نحوه اعمال قانون حاکم بر قراردادهای اعتبارات اسنادی در فرض سکوت طرفین به چه نحوی است بایستی محل انعقاد عقد به درستی مشخص شود. در مورد زمان و مکان انعقاد عقود نظریه ثابتی در حقوق ایران مطرح نشده است. در قراردادهای منعقد در ایران و در موردی که بیان ایجاب و قبول در یک محل صورت می‌گیرد با توجه به اینکه محل انعقاد عقد مشخص است به علت تقارن و اعلام اراده‌ها تعیین زمان و مکان و انعقاد عقد و تعیین قانون حاکم بر قرارداد با دشواری خاصی روبه‌رو نیست، زیرا مکان و محل وقوع عقد در زمان اعلان قبول معلوم می‌شود. لیکن، در برخی از قراردادهای اعتبارات اسنادی که طرفین دارای تابعیت و اقامتگاه مختلف هستند و در یک محل حضور ندارند با توجه به اینکه ممکن است به صورت الکترونیکی و در فضای دیجیتال منعقد شوند نیاز است که معیار مشخصی در این خصوص ارائه شود. در حقوق ایران با توجه به ماده ۱۸۳ قانون مدنی تا زمانی که قبولی با ایجاب تلاقی نکند عقد از نظر ماهیت حقوقی به وجود نمی‌آید. لذا، زمان تحقق عقد هنگامی است که قبولی ضمیمه ایجاب شود. بنابراین، فایده تشخیص محل وقوع عقد علاوه بر تعیین دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به دعوی ناشی از قرارداد (ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی) را دارد تشخیص محل وقوع عقد از جهت تعیین قانون حاکم بر شرایط انعقاد و نفوذ قرارداد است (ماده ۹۶۸ قانون مدنی). در مورد توافقات قراردادی دو ایرانی ولو اینکه مقیم در دو کشور مختلف باشند گفته شده است که نمی‌توانند به تراضی محل وقوع قرارداد را با تعیین قانون حاکم تغییر دهند و به این وسیله قانون کشور دیگری را حاکم کنند. این تراضی برخلاف نظم عمومی است و باعث می‌شود که حکمت ماده ۹۶۸ از بین برود. آزادی انتخاب قانون حاکم در مورد قراردادهای منعقد در ایران در موردی است که طرفین قرارداد هر دو خارجی باشند (کاتوزیان،

۱۳۹۳: ۳۶۱-۳۶۰، ۳۸۹). به نظر می‌رسد تحلیل ماهیت اعتبار اسنادی در قالب قرارداد با مبانی پذیرفته‌شده در نظام حقوقی ایران مطابقت بیشتری داشته باشد. شناخت ماهیت قراردادی اعتبار اسنادی موجب می‌شود که مرجع رسیدگی به دعاوی ناشی از اعتبار اسنادی اعم از دادگاه و مرجع داوری قواعد حاکم بر قرارداد را شناخته و بر آن اعمال کنند. اعتبار اسنادی در حقوق ایران بیشترین شباهت را با قراردادها دارد که مظهر جمع منافع متقابل است، زیرا زمان و نحوه تحقق قبول در اعتبار اسنادی با توجه به اثر انشایی سکوت در صورت وجود قرائن و همچنین وجود عرف مستقر در تجارت بین‌الملل مبنی بر حمل سکوت بر قبول در این حوزه خاص بانکی و نیز ملزم بودن بانک گشاینده به ایجاب ملزم خود تا انقضای مهلت پنج روزه قابل توجیه است (مافی و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۵-۸۶، ۱۰۲-۱۰۳). در غیر این صورت و چنانچه معامله اعتبار اسنادی ایقاع انگاشته شود به نظر می‌رسد که قانون حاکم بر معامله، قانون محل گشایش و صدور اعتبار اسنادی باشد. در رد این نظر می‌توان گفت که از استقرا در قوانین و سایر منابع حقوقی مستفاد می‌شود که اصل آزادی ایقاعات در حقوق ایران وجود ندارد (کاتوزیان، ۱۳۹۹: ۱۴۲). چنانچه عنوان «تعهدات ناشی از عقود» در ماده ۹۶۸ قانون مدنی اعتبار یا عدم اعتبار و شرایط اساسی قرارداد را دربر نگیرد، در این صورت به موجب ماده ۵ قانون مدنی و در صورتی که محل انعقاد قرارداد اعتبار اسنادی ایران باشد قانون ایران را می‌توان به‌عنوان حاکمیت قانون سرزمینی بر اعتبار یا عدم اعتبار قرارداد حاکم کرد. در غیر این صورت، اعتبار و صحت قرارداد مشمول قانون حاکم بر ایجاد قرارداد خواهد بود. با این اوصاف، چنانچه دادگاه پس از رسیدگی احراز کند که محل انعقاد عقد در خارج از ایران است، دادگاه ایرانی با توجه به قاعده حل تعارض مذکور نمی‌تواند قانون ایران را در رابطه با قرارداد اعتبار اسنادی اعمال کند. بنابراین، در چنین حالتی قواعد حل تعارض موضوع ماده ۹۶۸ قانون مدنی و قانون محل انعقاد عقد به‌عنوان قاعده ثابت برای تعیین قانون صلاحیت‌دار بر قرارداد و تراضی طرفین تحمیل می‌شود. در این خصوص قطعاً توصیف محل انعقاد قرارداد یک توصیف اصلی محسوب می‌شود که به نوبه خود در تعیین قانون صالح تأثیرگذار خواهد بود. باید توجه داشت که طرفین در انتخاب قانون حاکم مسوول‌البد و فارغ‌البال نیستند، بلکه اختیار آنان محدود به قانون ملی یکی از طرفین می‌شود. لذا، انتخاب قانونی که هیچ ارتباطی با قرارداد منعقد نشده باشد مورد پذیرش قانونگذار قرار نمی‌گیرد (ایرانپور، ۱۳۸۱: ۸۷-۸۸).

محل انعقاد قراردادهای اعتبار اسنادی که از طریق الکترونیکی به عمل می‌آید محل ارسال قبولی است، زیرا مبنای قواعد حل تعارض قوانین در دعاوی بین‌المللی اصل تقرب مکانی است. بر این اساس قانون حاکم بر شکل و ماهیت دعاوی قراردادی، قانونی است که نزدیک‌ترین ارتباط

مکانی را با قرارداد مورد اختلاف دارد. ارسال زمانی صورت می‌گیرد که قبولی از سیستم رایانه قبول‌کننده خارج شود (ماده ۲۶ قانون تجارت الکترونیک). از این رو، قانون محل اقامت ارسال‌کننده قبولی بر تعهدات ناشی از قرارداد حاکم خواهد بود. قانون تجارت الکترونیک ۱۳۸۲ مینا را در تشخیص محل ارسال، محل تجاری یا کاری اصل‌ساز قرار داده است و اگر اصل‌ساز محل تجاری یا کاری نداشته باشد در این صورت به استناد بندهای «الف» و «ج» ماده ۲۹ قانون مذکور اقامتگاه قانونی او ملاک خواهد بود (حجت‌زاده و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۶۳، ۲۷۵). توضیح این نکته ضرورت دارد که در ماده ۹۶۸ قانون مدنی به‌عنوان قاعده حل تعارض بر تعهدات قراردادی اصل حاکمیت اراده برای طرف ایرانی به رسمیت شناخته نشده است؛ یعنی ایرانیان نمی‌توانند در انعقاد قرارداد تجاری بین‌المللی با خارجیان قانون منتخب خود را بر قرارداد اعتبار اسنادی حاکم کنند. برعکس، چنانچه طرفین قرارداد اعتبار اسنادی که مقیم در دو کشور مختلف هستند در قرارداد خود رجوع به داوری را پیش‌بینی و قانون حاکم را نیز تعیین کرده باشند، دیوان داوری چاره‌ای جز متابعت از حاکمیت اراده و قواعد حقوقی منتخب طرفین به‌عنوان عامل ارتباط مؤثر ندارد. انتخاب قانون حاکم توسط طرفین از چالش بعدی انتخاب قانون حاکم به وسیله مرجع داوری جلوگیری به عمل می‌آورد. انتخاب طرفین بر قانون حاکم بر ماهیت دعوا برای مرجع داوری الزام‌آور تلقی می‌شود. انتخاب قواعد حقوقی می‌تواند انتخاب قواعدی بیش از یک نظام حقوقی و شامل قواعد حقوقی توسعه‌یافته در سطح بین‌المللی باشد. نظام منتخب ماهوی حاکم بر روابط قراردادی طرفین ممکن است برای مثال اصول کلی حقوقی، قانون ملی هر یک از طرفین، حقوق بازرگانی فراملی یا اصول حقوق بین‌الملل باشد. ماده ۲۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران به طرفین قرارداد در انتخاب قانون حاکم آزادی کامل در انتخاب قانون ماهوی حاکم بر اختلاف داده است، حتی اگر با قرارداد موضوع اختلاف ارتباط نداشته باشد. امتیاز اصلی قانون حاکم به این ترتیب پیش‌بینی‌پذیری و ثبات قانون حاکم در طول مدت قرارداد است. جمله دوم ذیل ماده ۲۷ مقرر می‌دارد که انتخاب یک قانون یا نظام حقوقی مشخص یک کشور به هر نحو که صورت گیرد به معنی ارجاع به قوانین ماهوی آن کشور تلقی خواهد شد نه قواعد حل تعارض آن. لذا، تا زمانی که طرفین برخلاف آن تراضی نکرده‌اند قواعد حقوقی منتخب طرفین مبنای اتخاذ تصمیم مرجع داوری را فذاهم می‌کند. علت عدم پذیرش قواعد حل تعارض در انتخاب طرفین ناشی از اجتناب از قبول احاله در قراردادهاست. با وجود این، طرفین آزادند تا خلاف آن را در قرارداد خود تصریح کنند.

برابر بند «ب» ماده یک قانون مذکور یکی از طرفین نباید در زمان انعقاد موافقت‌نامه داوری به موجب قانون ایران تبعه ایران باشد. بنابراین هرگاه اشخاص حقیقی یا حقوقی منعقدکننده موافقت‌نامه داوری به موجب قوانین ایران تابعیت ایرانی داشته باشند این نوع از توافق مشمول قانون موصوف نبوده و داوری آن داخلی تلقی شده و تابع قانون آیین دادرسی مدنی خواهد بود (مافی، ۱۳۹۷: ۱۲، ۲۹۰، ۲۹۵). آثار و احکام قراردادهای اعتبارات اسنادی در آرای صادره از محاکم کشور نیز مورد توجه قرار گرفته است. از جمله در پرونده‌های مربوط به اعتبارات اسنادی، برخی از قضات حاکمیت مطلق اصل استقلال اعتبار اسنادی را پذیرفته و بر این عقیده‌اند که اعتبار گشایش‌یافته بنا بر ماهیت خود جدا از قرارداد پایه فروش است و قراردادهای تنظیمی فی‌مابین ذینفع اعتبار و متقاضی آن به هیچ وجه ارتباطی با بانک معامله‌کننده ندارد. لذا بانک گشاینده در صورت مطابقت مدارک، متعهد به پرداخت مبلغ مورد اعتبار در سررسید معین در حق ذینفع اعتبار است و این دسته از قضات به صراحت به اصل استقلال اشاره می‌کنند و هیچ‌گونه استثنائی برای آن قائل نیستند (از جمله در دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۰۴۱۰ پرونده کلاسه ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۷۹۰۰۵۶۷ شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران). در مقابل عده‌ای دیگر نیز معتقدند که گرچه براساس اصل استقلال، تعهد ناشی از اعتبار اسنادی یک تعهد مجرد و منفک از قرارداد پایه و قرارداد بانک با درخواست‌کننده است، اما استثنا بر این اصل تقلب است و پرداخت وجه اعتبار اسنادی تنها در صورت تقلب و اثبات و احراز آن قابل توقف است (از جمله در دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۶۴۰۱۰۸۵ مورخ ۷/۱۱/۹۴ صادره از شعبه ۴ دادگاه عمومی حقوقی تهران).

در رابطه با توافق بر دادگاه صالح در قراردادهای بین‌المللی از جمله می‌توان به دادنامه‌های شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۳۰۰۲۴۸ شعبه ۲۷ دادگاه عمومی حقوقی تهران و شعبه ۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران مورخ ۱۳۹۲/۲/۳۰ اشاره کرد که در این پرونده خواهان برای ابطال توافق‌نامه انتخاب دادگاه به مخالفت توافق مذکور با ماده ۹۶۸ قانون مدنی اشاره کرده است. در این پرونده دادگاه بدوی قواعد حل تعارض دادگاه‌ها را از قواعد حل تعارض قوانین جدا کرده و قرارداد مذکور را که با یک تبعه آلمانی منعقد شده بوده با وجود عنصر خارجی یک دعوی بین‌المللی محسوب کرده است و در ماده ۱۱ قرارداد فوق‌الذکر طرفین به صراحت توافق کرده‌اند که هرگونه اختلاف ناشی از قرارداد در دادگاه واجد شرایط برلین مورد رسیدگی قرار گیرد. لذا دادگاه با پذیرش قراردادی بودن رابطه طرفین به توافق مذکور ترتیب اثر داده است (گروئی، ۱۳۹۸: ۱۳۶-۱۳۷، ۲۲۳). در مورد مشابهی نیز شعبه ۱۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران به موجب دادنامه شماره ۱۰۷۲ مورخ ۱۳۹۶/۸/۱۰ با اعمال ماده ۹۶۸ قانون مدنی با توجه به محل انعقاد قرارداد موضوع

اختلاف، قانون آلمان را صالح به اعمال در پرونده دانسته و با توجه به مقررات ماهوی آلمان اقدام به رد دعوی می‌کند. در این رأی استدلال شده که قرارداد مورد اختلاف در کشور آلمان تنظیم و نگارش یافته است و مستفاد از ماده ۹۶۸ قانون مدنی تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است که در مانحن فیه به لحاظ انعقاد عقد و اعطای نمایندگی در کشور آلمان مقررات حاکم در این زمینه مقررات قانون مدنی آلمان است (حقانی و حکیمی، ۱۴۰۰: ۴۱ - ۶۴). این رأی نمونه خوبی از توجه بیش از پیش دادگاه‌های ایران به استدلال در زمینه تعارض قوانین و انتخاب قانون حاکم بر اختلاف است.

### نتیجه

نتایج و دستاوردهای پژوهشی مقاله را که بر تحلیل ارائه شده از قانون حاکم بر روابط حقوقی اعتبارات اسنادی استوار است می‌توان به شرح زیر تبیین کرد. قانون حاکم بر قرارداد اعتبار اسنادی از طریق شرط صریح یا ضمنی تعیین می‌شود. در صورت عدم توافق بین طرفین، قانون حاکم بر هر رابطه قراردادی قانونی خواهد بود که نزدیک‌ترین ارتباط را با قرارداد دارد و آن قانون محل اقامت طرفی است که عملکرد شاخص قرارداد را انجام می‌دهد. براساس این معیار، در روابط قراردادی بین خریدار و فروشنده، با فرض عدم انتخاب صریح یا ضمنی قانون توسط طرفین، قانون حاکم بر قرارداد قانون کشور محل اقامت فروشنده (ذینفع) است، زیرا تعهد اصلی در قراردادهای معاوضی مانند بیع توسط فروشنده انجام می‌شود. رابطه دوم بین متقاضی (خریدار) و بانک صادرکننده اعتبار که به آن قرارداد گشایش اعتبار اسنادی یا قرارداد بازپرداخت نیز می‌گویند یک قرارداد با ماهیت منحصر به خود است. در صورت عدم وجود شرط انتخاب قانون حاکم توسط طرفین قانونی که نزدیک‌ترین و واقعی‌ترین ارتباط را با این قرارداد دارد، قانون محل نگهداری حساب است، لذا، قانون محل اصلی تجارت بانک گشاینده اعتبار بر قرارداد حاکم خواهد بود. رابطه بین بانک گشاینده اعتبار و ذینفع ماهیت قراردادی دارد و دادگاه‌ها بر این امر اصرار دارند که حقوق و تعهدات طرفین در واقع ناشی از قرارداد فی مابین آن‌هاست. قانون حاکم بر این قرارداد، از نظر مقرر رم یک، قانون بانک صادرکننده اعتبار است که نزدیک‌ترین و واقعی‌ترین ارتباط را با قرارداد خواهد داشت. قرارداد بین بانک گشاینده اعتبار و کارگزار او عموماً یک قرارداد نمایندگی است. در مورد ذینفع و بانک ابلاغ‌کننده قانون نزدیک‌ترین ارتباط قانون کشور محل فعالیت بانک ابلاغ‌کننده است. برای تحقق اهداف بند ۲ ماده ۴ مقرر رم یک، عملکرد شاخص و اساسی قرارداد زمانی انجام می‌شود که یک بانک تأییدکننده بسته به نوع بانک کارگزار، پرداختی را به فروشنده اعتبار انجام می‌دهد. در

این صورت، قانون حاکم بر قرارداد قانون محل تجارت اصلی بانک تأییدکننده خواهد بود. تا قبل از تصویب قانون تجارت متحدالشکل آمریکا در سال ۱۹۹۵، دادگاه‌ها در مورد اینکه چه قانونی باید بر قرارداد اعتبار اسنادی حاکم باشد اختلاف نظر داشتند. پس از تصویب قانون تجارت متحدالشکل آمریکا، براساس مقررات ماده ۵ آن قانون منتخب باید رابطه معقولی با قرارداد داشته باشد. براساس بخش ۵-۱۱۶ مقررات اصلاح‌شده ماده ۵ قانون تجارت متحدالشکل آمریکا طرفین می‌توانند قانون حاکم بر معاملات اعتبار اسنادی را در قالب سند کتبی امضا شده یا تصدیق شده انتخاب کنند. در حقوق ایران چنانچه اختیاری بودن ماده ۹۶۸ پذیرفته شود و قاعده حل تعارض مذکور آمره تلقی نشود طرفین قرارداد اعتبار اسنادی می‌توانند قانون حاکم بر قرارداد را در حدود قواعد آمره یا مقررات قابل اعمال بلافصل بپذیرند. منطق حقوق و حکمت عملی نیز اقتضا دارد تا طرفین بتوانند آزادانه به انتخاب قانونی که حاکم بر تعهدات ناشی از قرارداد است بپردازند. در غیر این صورت، مجال آزادی اراده برای متعاقدين محدود خواهد شد.

## منابع

## الف) منابع فارسی

- اشمتوف، کلایو ام (۱۴۰۲)، **حقوق تجارت بین الملل**، ج ۲، ترجمه بهروز اخلاقی و همکاران، تهران: سمت.
- امیرمعزی، احمد (۱۳۹۵)، **قانون حاکم بر تعهدات**، تهران: دادگستر.
- ایرانپور، فرهاد (۱۳۸۱)، «شناسایی و یا انکار اصل حاکمیت اراده در حقوق بین الملل خصوصی ایران»، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، شماره ۵۸.
- جنیدی، لعیا و رسول بهرامپوری (۱۴۰۰ الف)، «بررسی نظریه حکومت قانون واحد بر روابط متعدد موجود در اعتبارات اسنادی بین المللی»، **فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی**، دوره ۱۲، شماره ۲.
- جنیدی، لعیا و رسول بهرامپوری (۱۴۰۰ ب)، «حقوق حاکم بر روابط موجود در اعتبارات اسنادی بین المللی»، **فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی**، دوره ۵۱، شماره ۲.
- حجت زاده، علیرضا و ابراهیم نوشادی (۱۳۹۰)، «قانون حاکم بر قراردادهای الکترونیکی بین المللی (بررسی تطبیقی)»، **مجله حقوقی بین المللی**، سال ۲۸، شماره ۲۴.
- حقانی، سعید و مرضیه حکیمی (۱۴۰۰)، «قانون حاکم بر قرارداد بین المللی؛ بررسی موردی دادنامه‌ای از شعبه ۱۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران»، **پژوهش حقوق خصوصی**، دوره ۹، شماره ۳۴.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۹)، **حقوق مدنی، ايقاع، نظریه عمومی - ايقاع معین**، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳)، **دوره حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها**، ج ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- گرونی، فرشته (۱۴۰۱)، **تحلیل رویکرد نظام حقوقی ایران نسبت به اعتبار اسنادی و ضمانت نامه بانکی**، تهران: مجلد.
- مافی، همایون (۱۳۹۷)، **شرحی بر قانون دآوری تجاری بین المللی ایران**، تهران: انتشارات دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.
- مافی، همایون، رسول بهرامپوری و میثم رامشی (۱۴۰۱)، «تحلیل حقوقی ماهیت اعتبارات اسنادی»، **دانشنامه حقوق اقتصادی**، سال ۲۹، شماره ۲۱.
- مافی، همایون و محمدحسین تقی پور (۱۳۹۴)، «قانون قابل اعمال بر تعهدات قراردادی در حقوق اتحادیه اروپا و آمریکا»، **فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی**، شماره ۱۳.
- مافی، همایون و حسین کاویار (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی قانون حاکم بر قراردادهای الکترونیکی منعقد در محیط اینترنت از منظر نظام های حقوقی آمریکا، اتحادیه اروپا و ایران»، **فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی**، دوره ۴، شماره ۱.
- نیازی اتابای، فتح الله، مریم مرادی، سید باقر میرعباسی و سید باقر عسگرخانی (۱۳۹۶)، «قواعد حاکم بر حل و فصل اختلافات در زمینه اعتبارات اسنادی»، **فصلنامه تحقیقات حقوقی بین المللی**، دوره ۱۰، شماره ۳۶.

## ب) منابع انگلیسی

- Appanna, T. (2009), “The Two Important Doctrines Underlying Documentary Letters of Credit and the Fraud Exception”, **Pretoria University Law Press**, No.3.
- Chantayan, F. (1999), “Choice of Law Under Revised Article 5 of the Uniform Commercial Code”, **Journal of Civil Rights and Economic Development**, Vol.14.
- Dolan, J. F. (2019), **The Law of Letters of Credit**, Commercial and Standby Credits, Vol.1: an A.S Pratt Publication
- Fama, A. Jr. (1985), “Letters of Credit: The Role of Issuer Discretion in Determining Documentary Compliance”, **Fordham Law Review**, Vol. 53.
- Gewolb, R.G. (1966), “The Law Applicable to International Letters of Credit”, **Villanova Law Review**, Vol. 11.
- Grassi, S. P. (1995), “Letter of Credit Transactions: The Bank’s Position in Determining Documentary Compliance –a Comparative Evaluation Under U.S, Swiss and German Law”, **Pace International Law Review**, Vol. 7.
- Hahn, J. (2007), “Governing Laws on Letters of Credit Under Uniform Commercial Code”, **Journal of Korea Trade**, November 2007, 11(3).
- Hugo, Ch. F. (1996), “The Law Relating to Documentary Credits from a South African Perspective with Special Reference to the Legal Position of the Issuing and Confirming Banks Dissertation”, **University of Stellenbosch**.
- Karl, A. (2004), “Letters of Credit and the Doctrine of Strict Compliance”, **university of Uppsala**, Presented on January 7th.
- King, R. (2001), **Gutteridge and Megrah's Law of Bankers' Commercial Credits: Published by Routledge**, 8th edition.
- Kozolchyk, B. (1979), “Legal Aspects of Letters of Credit and Related Secured Transactions”, **University of Miami Law School Institutional Repository**, Vol. 11.
- Lawrence, M. F. (2019), “Relationship Between a Banker and His Customer Under a Letter of Credit: A Legal Reflection”, **International Journal of Research and Innovation in Social Science(IJRISS)**, Vol. III.
- Markstein, A. (2010), “The Law Governing Letters of Credit”, **16 Auckland University Law Review**, No. 138
- Monaghan, Ch. (2012), “Letters of Credit and Disputes About Jurisdiction and Choice of Law: [2012] Petrologic Capital SA v Banque de Genève & Another [2012] EWHC 454 (Comm)”, **BPP University Research Paper** .
- Philip Teoh Oon Teong, (2009), “Letters of Credit: A Conflict of Laws Perspective”, **Singapore Academy of Law Journal**.

